

تاریخ جراحی

ایتالیا

برگرفته از کتاب تاریخ مصور جراحی

دکتر مصطفی جابرانصاری*

در دوران فرومانروایی ناپلئون اول، ایتالیا مورد حمله لشکریان وی قرار گرفته و بصورت سرزمینی وابسته به فرانسه درآمد. ناپلئون خود را پادشاه ایتالیا خواند. این انقیاد و وابستگی سیاسی هنگامی که ناپلئون برادر خود ژوزف بناپارت (1768 - 1844 میلادی) را در سال 1806 میلادی پادشاه ناپل (Naples) خواند، بیشتر آشکار گردید. یواخیم مورا (1771 - 1815 میلادی، Joachim Murat) که با کارولین (1782 - 1839 میلادی، Caroline) خواهر ناپلئون اول ازدواج کرده بود؛ پس از این که ژوزف به پادشاهی اسپانیا منصوب شد، پادشاه بعدی ناپل گردید. در سال 1811 میلادی، ناپلئون اول، فرزند تازه به دنیا آمده خود ناپلئون دوم را به پادشاهی رم (Rome) منصوب نمود. پاپ پیوی هفتم (1742 - 1823 میلادی، Pope Pius VII) ربوده شده و تا زمان سقوط ناپلئون در سال 1814 میلادی در فرانسه در اسارت بسر می‌برد.

کنگره وین در سال 1815 میلادی بخش‌های بزرگی از ایتالیا را به اتریش و پاپ واگذار کرد. همزمان خاندان سلطنتی ساوی (House of Savoy) نیز در پادشاهی ساردینیا (Sardinia) مجدداً حکومت را در دست گرفتند و بوربون‌ها (Bourbons) نیز به سیسیلی (Sicily) بازگشتند. با وجود این که آرزوی استقلال و وحدت ایتالیا را اتریش بصورت کارآمدی به بن بست کشانده بود؛ خواست و تمایلات آزادیخواهی همچنان رو به افزایش بود.

در طی دهه‌های 1860 و 1850 میلادی به واسطه تلاش‌های گیوسپ (ژوزف) گاریبالدی (1807 - 1882 میلادی، Giuseppe Garibaldi)، کامی کاوور (1810 - 1861 میلادی، Camillo Cavour) و ویکتور امانوئل دوم (1820 - 1878 میلادی، Victor Emmanuel II) اولین پادشاه ایتالیای متحد، کشور نوین ایتالیا به وجود آمد. اومبرتو اول (1844 - 1900 میلادی، Humbert I) فرزند ویکتور امانوئل دوم به حفظ و برقراری صلح و آرامش و سازماندهی دولت جدید پرداخت. امبرتو اول با وجود این که مورد تحسین و تمجید فراوانی قرار داشت، به قتل رسید و فرزندش ویکتور امانوئل سوم (1869 - 1947 میلادی) جانشین وی گردید.

* نویسنده پاسخگو: دکتر مصطفی جابرانصاری

* متخصص جراحی عمومی و اطفال، بیمارستان مهراد

تلفن: 7-88505595

E-mail: ansari_17@yahoo.com



تصویر 1- عکس‌های قبل و بعد از عمل جراحی ترمیم و بازسازی صورت، گرفته شده از مجموعه بیماران شخصی هیپولیت مورستین (Hippolyto Morestin) 1899-1914 (شرکت جرمی نورمن و همکاران)

تفوق و برتری ایتالیا در علوم پزشکی که تقریباً به مدت یک هزاره (هزار سال) تداوم داشت با آغاز قرن نوزدهم آشکارا از بین رفت. افراد قلیلی در آناتومی و جراحی زبانزد بودند: آنتونیو اسکارپا (1750 – 1832 میلادی، Antonio Scarpa) یکی از آنان بود وی در شمال ایتالیا و درست در جنوب تیرول (Tyrol) به دنیا آمد. یکی از عموهایش که کشیش بود مسئولیت آموزش‌های اولیه او را به عهده گرفت و در نتیجه در 15 سالگی اسکارپا زبان لاتینی را به خوبی فرا گرفته بود و در آزمون ورودی دانشگاه مشهور پادوا (Padua) شرکت کرده و پذیرفته شد. در آنجا تحصیلات پزشکی خود را آغاز کرد و شاگرد مورگانگی (Morgagni) بود. مورگانگی در سال 1771 درگذشت ولی در سال‌های آخر حیاتش، اسکارپا منشی و دبیر شخصی وی و محرم اسرارش بود. اسکارپا مدرک خود را در سال 1770 میلادی اخذ کرد و با توصیه مورگانگی پس از دو سال به استادی آناتومی و جراحی بالینی دانشگاه مودنا (Modena) منصوب گردید. بخشی از مهمترین پژوهش‌های آناتومیک اسکارپا در طی ده سالی که وی در مودنا اقامت داشت کامل گشت. در طی سال 1772 میلادی وی کتاب *De Structura Fenestrae Rotundae Auris, Et De Tympano Secundario Anatomicae Observationes* را تألیف کرد و در آن لابیرنت غشایی گوش داخلی را به روشنی توصیف نمود. از سال 1779 میلادی تا سال 1782 میلادی اسکارپا مبادرت به سفر و بازدید از تمامی مراکز عمده پزشکی اروپا نمود. هنگام اقامت در اتریش با برامبیللا (Brambilla) که جراح پادشاه اتریش ژوزف دوم (Joseph II) بود ملاقات نمود. این دوستی موجب گشت تا از اسکارپا جهت پذیرش کرسی استادی آناتومی دانشگاه پاویا (Pavia) دعوت بعمل آید (1783 میلادی). در سال 1787 میلادی کرسی جراحی بالینی نیز به اسکارپا اعطا گردید. وی بقیه عمر حرفه‌ای خود را در آنجا سپری نمود و دانشگاه پاویا به دانشگاهی ممتاز در اروپا بدل گردید. مهمترین کار بالینی وی در دانشگاه پاویا صورت گرفت و میل مفرط وی به نگارش و تألیف زبانزد خاص و عام گردید. در کتاب (1789 میلادی) *Anatomicae Disquisitiones De Auditu Et Olfactu* اسکارپا تحقیقات حائز اهمیتی را که درباره دستگاه شنوایی و بویایی ماهیان، پرنندگان، خزندگان و انسان انجام داده بود؛ گزارش نمود. در سال 1794 میلادی بزرگترین اثرش *Tabulae Neurologicae* به چاپ رسید و برای نخستین بار اعصاب قلب به روشنی مشخص و توصیف گردید. پنج سال بعد اسکارپا رساله‌ای درباره گوش با عنوان *De Penitiori Ossium Structura Commentarius* تألیف نمود. با آغاز سده نوزدهم اسکارپا به ثروت سرشاری دست یافته و زندگی شکوهمندی داشت. گفته می‌شود که اسکارپا مورد علاقه ناپلئون اول بود که وی را به مقام جراح امپراتور برگزیده و نشان‌های صلیب لژیون دو انور و نشان تاج آهنین را به وی اعطا نمود.

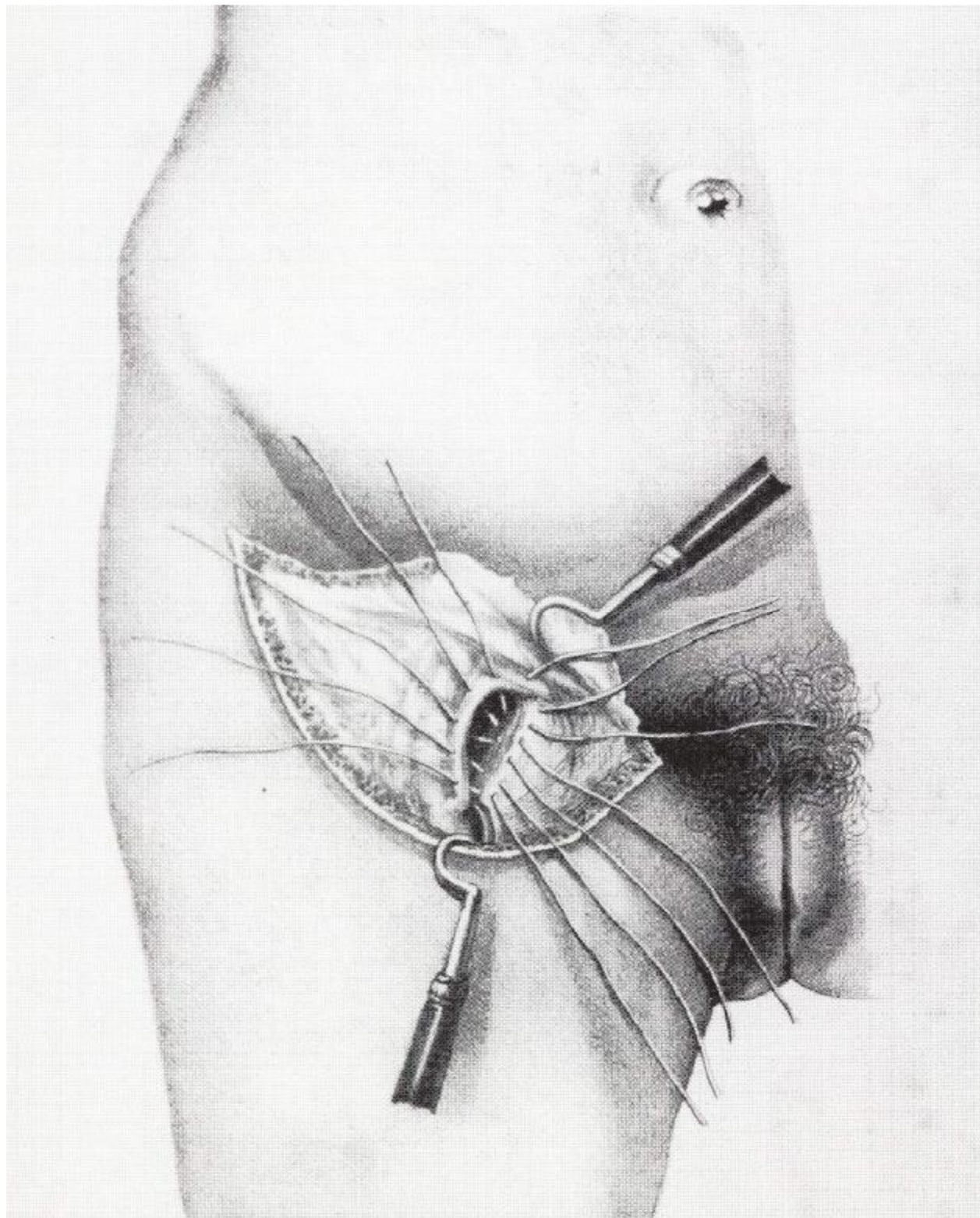


تصویر 2- لیتوگراف آنتونیو اسکاربا اثر فری (Fery) که از روی تابلوی مورد (Maurer) تهیه گردیده است
(مجموعه تاریخی، کالج پزشکان فیلادلفیا)

اسکاریا به عنوان مدرس و سخنور مورد تحسین و تمجید عموم قرار گرفت و با این که در سال 1813 میلادی از تدریس فعال کناره‌گیری نمود به تألیف و نگارش برای سال‌های متعددی ادامه داد. کتاب *Saggio Di Osservazioni E D'Esperienze Sulle Principali Malattie Degli Occhi* (1801 میلادی) درباره چشم پزشکی بود که به زیبایی تصویرگری شده بود و نخستین کتاب در خصوص چشم پزشکی در زبان ایتالیایی بود. در سال 1803 میلادی وی توصیفی کاملاً دقیق درباره آناتومی پاتولوژیک پا چنبری (کلاب فوت) مادرزادی را برای اولین بار ارائه کرد. در (1804 میلادی) *Sull' Aneurisma* آنوریسم کاذب را از آنوریسم حقیقی تمیز داده و مفهوم آرتریواسکلروز (تصلب شرائین) را معرفی نمود. رساله مهمی درباره ترمیم فتق‌ها (هرنیورافی) با نام *Sull' Ernie, Memorie Anatomico - Chirurgiche* (1809 میلادی) و رساله‌ای درباره شرائین (سرخرگ‌ها) با عنوان *Memoria Sulla Legature Delle Principali Arterie Degli Arti* (1817 میلادی) تألیف نمود. در کتاب *Sull' Ernia Del Perineo* (1821 میلادی) جزئیات فتق پری نئال (پرینه آل) را توصیف کرده و توصیفی کلاسیک از فتق لغزنده (Sliding) نیز ارائه نموده است. در سال 1825 میلادی اولین جلد کتاب *Opusculi De Chirurgia* که قرار بود، مجموعه‌ای درباره موضوعات مختلف و متنوع جراحی باشد، منتشر شد. اسکاریا در تمام دوران حیات خود مجرد باقی ماند، گرچه گفته می‌شود که سرپرستی چندین فرزند را به عهده داشته است. وی حتی پس از بازنشستگی نیز همچنان در پاپویا دارای قدرت و اقتدار بوده و از این اقتدار به شیوه‌ای جبارانه و با بی‌رحمی استفاده می‌کرده است. در مقام ریاست دائم دانشکده پزشکی، وی تمام جوانب آموزش پزشکی را در کنترل خود داشته و همچنان با تعدادی از افساد با کینه و عداوت و انتقام جویانه برخورد می‌کرد. نارضایتی و نفرت از اسکاریا وی را در برگرفته بود و هنگامی که در سن هشتاد سالگی درگذشت، شهرت و اعتبار وی مورد تعدی قرار گرفته و دستاوردها و موفقیت‌های وی خوار و خفیف انگاشته شد.

جیووانی مونتهژیا (1815 - 1762 میلادی، *Giovanni Monteggia*) استاد آناتومی و جراحی دانشگاه میلان (Milan) بود (1795 میلادی). در تهیه و آماده‌سازی مجموعه پنج جلدی *Instituzioni Di Chirurgia* (1802 - 1803 میلادی) با اسکاریا همکاری نمود. نام مونتهژیا به شکستگی استخوان اولنا همزمان با دررفتگی سر استخوان رادبوس اطلاق شده است.

ادواردو باسینی (1844 - 1924 میلادی، *Eduardo Bassini*) در پاپویا به دنیا آمده و مدرک دکترای خود را در سال 1866 میلادی از دانشگاه پاپویا اخذ نمود. وی در آغاز جنبش وحدت و یکپارچه سازی ایتالیا مشارکت نموده و در جریان یکی از جنگ‌ها توسط سرنیزه در ناحیه کشاله ران مجروح شده و فیستولی روده‌ای عارض گردید که بصورت موفقیت آمیزی توسط لوئیجی پورتا (1800 - 1875 میلادی) درمان گردید. پس از بهبودی، باسینی در مقام دستیار دوم پورتا خدمت نمود. با پیشنهاد استادش، باسینی به وین عزیمت کرده و در کلینیک بیلروت مشغول شد. وی همچنین از مراکز پزشکی شناخته شده برلین و لندن نیز بازدید بعمل آورد. در سال 1874 میلادی از باسینی برای بازگشت به پاپویا و فعالیت در مقام دستیار اول پورتا دعوت بعمل آمد. پورتا در سال بعد درگذشت ولی کرسی وی به باسینی اعطا نشد. باسینی که به شدت ناامید شده بود، از دانشگاه استعفا داده و برای شش ماه به لندن بازگشت. مدت کوتاهی بعد از آن وی به مقام مدرس جراحی در پارما (*Parma*) برگزیده شد و در سال 1877 میلادی به ریاست دپارتمان جراحی به اسپتزیا (*Spezia*) رسید. باسینی یکی از هواداران اولیه تکنیک‌های ضد عفونی سازی لیستری بوده و در معرفی و ترویج این مفاهیم در جراحی ایتالیا نقش مؤثری داشته است. در سال 1882 میلادی باسینی به عنوان استاد کرسی پاتولوژی جراحی دانشگاه پادوا (*Padua*) برگزیده شد و چهل سال بعدی را در این سمت سپری نمود. در اوایل دهه میلادی 1880، باسینی شیوه‌ای برای نفروپکسی (*Nephropexy*) پیشنهاد نمود. در سال 1887 میلادی وی برای نخستین بار تکنیک عمل جراحی خود برای درمان قطعی فتق اینگوئینال را معرفی نمود و چهار سال بعد جزئیات عمل جراحی جهت درمان فتق رانی (فمورال) را در کتابی با عنوان *Nuovo Metodo Operativo Per La Cura Radicale Dell'Ernia Crurale* تشریح نمود.



تصویر 3- به دنبال موفقیت باسینی (Bassini) در ترمیم فتق‌های مغربی (اینگوینال)، وی از این تکنیک جراحی انقلابی خود در درمان فتق‌های کرورال یا رانی (فمورال) نیز استفاده نمود، گرفته شده از روش نوین جراحی جهت درمان قطعی (رادیکال) فتق‌های کرورال (1893) *Nuovo Methodo Operative per la Cura Radical Dell'ernia Crurale* (1893) (شرکت جرمی نورمن و همکاران)

آنتونیو سسی (1852 – 1920 میلادی، Antonio Ceci) استاد کلینیک جراحی در پیزا (Pisa) بوده و توسعه جراحی علمی در پیزا به وی نسبت داده می‌شود. پیش از آن در مقام استاد پاتولوژی جراحی در جنوا (Genoa) خدمت می‌کرد (1883 میلادی). وی نخستین جراحی بود که از عضلات بالای محل قطع اندام جهت تشکیل واحدی حرکتی برای بحرکت درآوردن اندام مصنوعی استفاده نمود (1906 میلادی).

لئوناردو گیگلی (1863 – 1908 میلادی، Leonardo Gigli) استاد جراحی بیماری‌های زنان (ژنیکولوژی) در فلورانس (Florence) بود. در سال 1894 میلادی از جراحی که ابتدا جهت پوبیوتومی (Pubiotomy) استفاده می‌شد را پیشنهاد نمود. در نهایت موارد استفاده از ازّه به اصطلاح گیگلی توسعه یافته و در کرانیوتومی نیز مورد استفاده قرار گرفت (1898 میلادی). در سال 1903 میلادی گیگلی پوبیوتومی را جایگزین سیمفیزیوتومی نمود.